

باسمہ تعالیٰ

خدا

عذاب

نمی کند؟

# خدا عذاب نمی کند؟!

## محبت خدا

بدون شک خداوند مهربان ترین مهربانان است.

قالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (اعراف/۱۵۱)

وَ أَيُّوبٌ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَنِي الصُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (الأنبياء/۸۳)

فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (يوسف/۶۴)

يَعْفُرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (يوسف/۹۲)

در بسیاری از آیات قرآن خداوند «غفور» «رحيم» «رئوف» و «توباب» خوانده شده است.

پروردگار نزدیک به بندگان و پاسخ دهندهی دعای آنان است.

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ ذَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَنِ

«و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بغو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم.» (بقره/۱۸۶)

او بندگانش را دوست دارد و می خواهد بندگان نیز او را دوست داشته باشند.

در حدیث قدسی آمده است:

يَا بْنَ آدَمَ وَ حَفْكَ عَلَىَّ أَتَيْ أَحِبْكَ، فِي حَقِّي عَلَيْكَ أَحَبْنِي

«ای فرزند آدم! به حق تو بر من قسم که من تو را دوست می دارم، پس تو را به حق خودم بر تو قسم می دهم که تو نیز مرا دوست بدار.»<sup>۱</sup>

پروردگار متعال از میان بندگان به دوست داشتن برخی تأکید نموده است.

پاکان: «يَحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ. يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ» (بقره/۲۲۲ - توبه/۱۰۸)

پرهیز کنندگان از گناه: «يَحِبُّ الْمُتَقَبِّلِينَ» (آل عمران/۷۶ - توبه/۴ - توبه/۷)

نیکوکاران: «يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۴۸ و ۱۳۴ - مائدہ/۹۳ و ۱۴۸ - نساء/۱۴۸)

صابران: «يَحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران/۱۴۶)

متوكلان: «يَحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹)

۱. رساله لقاء الله آیت الله ملکی تبریزی

عادلان: «يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (مائدهٗ ۴۲ - حجراتٍ ۹ - ممتحنهٗ ۸)

جهادگران: «يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ» (صفٌ ۴)

توبه‌کنندگان: «يَحِبُّ التَّوَابِينَ» (بقرهٗ ۲۲۲)

در این میان برای این که گناه کاران از بازگشت ناامید نشوند، برای توبه‌کنندگان تأکید بیشتری فرموده است.

او مشتاق بازگشت بندگان است:

در اخبار داود علیه السلام آمده است که خداوند عز و جل به او وحی فرمود:

يا داودُ، لَوْ يَعْلَمُ الْمَدِيرُونَ عَيْنِي كَيْفَ انتِظارِي هُمْ، وَ رِفْقِي بِهِمْ، وَ شَوْقِي إِلَى تَرْكِ  
مَعَاصِيهِمْ، لَمَأْثُوا شَوْقًا إِلَيَّ وَ تَعَطَّعَتْ أَوْصَاهُمْ مِنْ مُحَبَّتي

«ای داود! اگر روی گردانان از من بدانند که چه انتظاری برای آنان می‌کشم و  
چه مهری به آنان می‌ورزم و چه اشتیاقی به ترک معاصی از سوی آن‌ها دارم، هر آینه  
از شوقِ به من بمیرند و از عشق به من بندهای بدن‌شان از هم بگسلد!»<sup>۱</sup>

خداوند چشم به راه است تا گنهکاران به سوی او بازگردند:

يَا عِيسَى كُمْ أَطْلِيلُ النَّظَرَ وَ أَحْسِنُ الطَّلَبَ وَ الْقَوْمُ فِي عَقْلَةٍ لَا يَرْجِعُونَ

«ای عیسی! چه قدر من چشم به راه باشم؟ و خواسته‌ای بندگان را به خوبی

اجابت نمایم در حالی که آنان به سوی من باز نمی‌گردند!»<sup>۲</sup>

حضرت باقر علیه السلام فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدُ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَصَلَّ رَاحِلَتَهُ وَ زَادَهُ فِي لَيْلَةٍ ظَلْمَاءَ فَوَجَدَهَا  
فَاللَّهُ أَشَدُ فَرَحًا بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ بِرَاحِلَتِهِ حِينَ وَجَدَهَا

«همانا خدای تعالی به توبه (و بازگشت) بنده خود خوشحال‌تر است از مردی که  
در شب تاری شتر و توشه خود را گم کند و آن‌ها را بیابد، پس خدا به توبه بندهاش از  
چنین مردی در آن حال که توشه گم شده را پیدا کند شادر است.»<sup>۳</sup>

۱. میزان الحكمه ج ۱۰ ص ۲۹۶ به نقل از المحجة البيضاء: ۶۲/۸

۲. الكافی (ط - الإسلامية) ج ۸ ص ۱۳۴ - مرآة العقول ج ۲۵ ص ۳۲۰

۳. الكافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۴۳۵

خدای رحمان و رحیم به همه دستور داده است از رحمت او نامید نشوند.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَعْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَعْفُرُ الدُّنُوبَ  
جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

«بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.»(زمرا/۵۳)

حتی اگر دستشان به خون پیامبران آل‌والده باشد:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ جَاءَتِ امْرَأَةٌ إِلَيَّ النَّبِيِّ صَفَّاقَاتٌ يَا نَبِيَّ اللَّهِ امْرَأَهُ  
قَتَلَتْ وَلَدَهَا هَلْنَاهَا مِنْ تَوْبَةٍ فَقَالَ صَوْلَاتٌ وَالَّذِي نَفْسُهُ مُحَمَّدٌ بَيْدِهِ لَوْلَاهَا قَتَلَتْ سَبْعِينَ نِيَّاً ۝  
تَابَتْ وَتَائَمَتْ وَيُعْرَفُ مِنْ قَلْبِهَا أَنَّهَا لَا تَرْجِعُ إِلَى الْمُعْصِيَةِ أَبَدًا يَقْبَلُ اللَّهُ تَوْبَتَهَا وَعَفَّا عَنْهَا  
فَإِنَّ بَابَ التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَإِنَّ التَّائِبَ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ

«جابر بن عبدالله انصاری گفت: زنی خدمت پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسلم و عرضه داشت: زنی فرزند خود را کشته است، آیا برای او راه توبه و بازگشت وجود دارد؟ پیامبر صلی الله علیه وآلہ وسلم: «قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، اگر آن زن هفتاد پیغمبر را کشته باشد و پشیمان شود و توبه نماید و خدای تعالی صدق گفتار او را بداند که دیگر به هیچ گناهی رجوع نمی‌نماید، توبه‌اش را قبول می‌فرماید و از گناهش عفو می‌کند. به درستی که درب توبه باز است بین مغرب و مشرق، و به درستی که توبه کننده‌ی از گناه مثل کسی است که گناه نکرده است.»!

و فرمود فقط گروه کافران از رحمت خدا نامید می‌شوند:

وَ لَا تَيَأسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْسُرُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقُومُ الْكَافِرُونَ

«و از رحمت خدا مایوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مایوس می‌شوند!» (یوسف/۸۷)

و گروه مؤمنان به رحمت او امیدوارند:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ» - «کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آن‌ها امید به رحمت پروردگار دارند.»(بقره/۲۱۸)

همچنین خدا با بندۀ همان‌گونه رفتار می‌کند که به او گمان دارد:

امام باقر علیه‌السلام فرمود: در کتاب علی علیه‌السلام دیدیم که رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآل‌هه بالای منبر خویش فرموده:

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفارِ إِلَّا بِسُوءِ ظُنُونِهِ بِاللَّهِ وَ تَقْصِيرِهِ مِنْ رَحْمَائِهِ وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَخْسِنُ ظُنُونَ عَبْدِهِ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَهُ عَبْدٌ ظُنُونَ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يَبَدِّلُ الْحَيْرَاتُ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظُّنُونَ ثُمَّ يُخْلِفَ ظُنُونَهُ وَ رَجَاءَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظُّنُونَ وَ ارْعَبُوا إِلَيْهِ.

«به خدایی که جز او شایان پرستشی نیست، خدا هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نکند، مگر به سبب بدگمانیش به خدا و کوتاهی کردن نسبت به امیدواری به او و بدلخیش و غیبت نمودنش مؤمنین را، و به خدایی که جز او شایان پرستشی نیست، گمان هیچ بنده‌ای نسبت به خدا نیکو نشود، جز این که خدا همراه گمان بندۀ مؤمن خود باشد (هر گونه به او گمان برد، خدا با او رفتار کند) زیرا خدا کریم است و همه‌ی خیرات به دست اوست، او حیا می‌کند از این که بندۀ مؤمنش به او گمان نیک برد و او خلاف گمان و امید بندۀ رفتار کند، پس به خدا خوشبین باشید و به سویش رغبت کنید.»<sup>۱</sup>

همچنین از امام رضا علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

أَحَسِنُ الظُّنُونَ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ حَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظُنُونَ عَبْدِيِ الْمُؤْمِنِ يِإِنْ خَيْرًا فَعَحِيرًا وَ إِنْ شَرًا فَشَرًا  
«به خدا خوش گمان باشید. زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: من نزد گمان بندۀ مؤمن خویشم، اگر گمان او خوب است، رفتار من خوب و اگر بد است، رفتار من هم بد باشد.»<sup>۲</sup>

۱. الكافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۷۲

۲. الكافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۷۲

پس یأس و ناامیدی از رحمت او، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است که امام رضا عليه‌السلام در ضمن روایتی بدان تصریح فرموده است.

وقتی مأمون از آن حضرت درخواست کرد که به‌طور اجمال و خلاصه اسلام خالص و یک دست را برای او بنویسد؛ امام عليه‌السلام در پاسخ او مطلبی نوشت که در انتهای آن به گناهان کبیره اشاره فرمود. از آن جمله این سه مورد است.

وَ الْيُلْيُسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ وَ الْفُتُوْطُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ

«یأس از رحمت خداوند، و امن از عقوبات خداوندی، و قطع امید از رحمت پروردگار.»<sup>۱</sup>  
(یأس عبارت از این است که امیدی ندارد اگر دعا کند مستجاب شود و قنوط یعنی بدگمانی به خدا که به او رحم نمی‌کند و توبه‌ی او را قبول نمی‌فرماید).<sup>۲</sup>

### عذاب خدا

اما این امید (رجا) نباید سبب جرأت بنده نسبت به گناه شود. هر گاه کسی با این فکر خود را از عذاب الهی ایمن دانست و جرأت نسبت به گناه پیدا کرد، در دام شیطان گرفتار و مرتكب گناه کبیره‌ای به نام «الآمِنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ» شده است که در حدیث امام رضا عليه‌السلام آمده بود.

خداؤند فرموده است تنها زیانکاران خود را از عذاب ایمن می‌دانند:

فَلَا يَأْمُنُ مَكْرُ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ

«جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند.» (اعراف/۹۹)  
 اگر قرار بود گناه‌کاران عذاب نشوند این همه آیات عذاب برای چه کسانی در قرآن آمده است. مانند:

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَ إِنْ يَسْتَغْيِثُوا يُعَذَّبُوْ بِمَا إِكْلَمْهُ إِلَيْهِ يَشْوِي الْأُلُجُوْهَ  
 يُشْنَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقَا

«ما برای ستمگران آتشی آمده کردیم که سراپرده‌اش آنان را از هر سو احاطه کرده است! و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته صورت‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است!» (کهف/۲۹)

۱. عيون اخبار الرضا عليه‌السلام ج ۲ ص ۱۲۷

۲. گناهان کبیره - نوشته آیت‌الله شهید دستغیب ج ۱ ص ۹۲

همچنین: إِنَّ شَجَرَتَ الرِّزْقُومِ (۴۲) طَعَامُ الْأَشِيمِ (۴۴) كَالْمُهَلِّ يَغْلِي فِي الْبُطْوَنِ (۴۵) كَغَلْنَى  
الْحَمِيمِ (۴۶) خُدُوْهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ (۴۷) ثُمَّ صُبُوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ (۴۸)  
ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ (۴۹) إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ (۵۰)

« مسلماً درخت زقوم ... غذای گنهکاران است، همانند فلز گداخته در شکم‌ها می‌جوشد؛ جوششی همچون آب سوزان! (آن گاه به مأموران دوزخ خطاب می‌شود:) این مجرم را بگیرید و به میان دوزخ پرتابش کنید! سپس بر سر او از عذاب جوشان بریزید! (به او گفته می‌شود:) بچش که (به پندار خود) بسیار قدرتمند و محترم بودی؛ این همان چیزی است که پیوسته در آن تردید می‌کردید.» (دخان/۴۳ تا ۵۰)

نداشتن عمل و طلب پاداش چیزی است که باعث ملامت است.

قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرِئَكَ الْكَرِيمِ - « ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار کریمت مغور ساخته است؟» (انفطار/۶)

در حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که هنگام تلاوت این آیه فرمود: « عَرَّةُ جَهْلٍ - جهل و نادانیش او را مغور و غافل ساخته است.»<sup>۱</sup>

امام خامنه‌ای مدظلله‌العالی در توضیح این آیه فرموده‌اند:

« مغورو شدن به خدا یعنی نابه حق از خدا توقع کردن. بدون این که انسان عمل صالحی را به میدان بیاورد، از خدا پاداش بخواهد. این که انسان بگوید، ما که بنده خوب خدا هستیم و خدا حتماً به ما کمک خواهد کرد، این که انسان از حلم الهی سوءاستفاده کند و به گناه ادامه بدهد، از عذاب خدا خود را ایمن بداند. این‌ها همه غره شدن به خدا است.»<sup>۲</sup>

پس امید بدون عمل دروغی بیش نیست.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۱۸ به نقل از (مجمع البيان؛ ج ۱۰ ص ۴۴۹ - همین حدیث در "درالمنتور" و "روح البيان" و "روح المعانی" و "قرطبي" ذیل آیه نقل شده است).

۲. فرمایشات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۹/۲۳



یکی از اصحاب گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی از دوستان شما مرتكب گناهان می‌شوند و می‌گویند: ما امیدواریم (به رحمت خدا)، فرمود: **فَقَالَ كَذَّابُوا لَيْسُوا لَنَا بِمُوَالٍ أُولَئِكَ قَوْمٌ تَرَجَّحْتُ بِهِمُ الْأَمَانِيُّ مَنْ زَحَا شَيْئًا عَمِيلٌ لَهُ وَ مَنْ خَافَ مِنْ شَيْءٍ هَرَبَ مِنْهُ**

« دروغ گویند. دوست ما نیستند، آن‌ها مردمی باشند که آرزوها ایشان را به این سو و آن سو برد، هر که به چیزی امیدوار باشد، در راه رسیدن به آن کار کند، و هر که از چیزی ترسد از آن بگریزد.»<sup>۱</sup>

از اینجا معلوم می‌شود کسانی که به بهانه حب اهل بیت علیهم السلام - و/ین‌که شفاعت آنان، باعث بهشت رفتن آن‌ها می‌شود هرچند گناه کار باشند - جرأت بر معصیت می‌یابند، در گمراهی به سر می‌برند.

این تفکر که شیعه به جهنم نمی‌رود هرچند در معصیت غرق باشد، تفکری است که یهود هم بدان معتقد بودند:

وَ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَخَذَ ذَنْمَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۸۰) بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَةٌ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۸۱) وَ الَّذِينَ ءامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۸۲)

« و گفتند: هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید. بگو: آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید؟! و خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی‌ورزد، یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟! ، آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آن‌ها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود؛ و آن‌ها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند.» (بقره / ۸۰-۸۲ تا ۸۰)

چگونه ممکن است در برابر گناه عقوبت نباشد در حالی که قرآن تصریح دارد:  
**فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸) (سوره زلزله)**

و چگونه ممکن است گناه کاران نجات یابند، در حالی که خداوند به سهلانگاران در نماز وعده عذاب داده است.

**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّيْنَ \* الَّذِيْنَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ**

«ویل برای نمازگذاران است \* کسانی که در نمازشان سهلانگاری می‌کنند.» (ماعون/۴ و ۵)

ویل وادی است در جهنم که به قدری گود است که وقتی که کافر را در آن جا افکنند، چهل سال پائین می‌رود و به قعر آن نمی‌رسد<sup>۱</sup> و اگر کوهها را درون آن بیندازند، قبل از آن که به قعر آن برسند از شدت گرما نابود می‌شوند.<sup>۲</sup> و در اخبار رسیده هر جا در قرآن تهدید به ویل شود مقصود همان چاه است.<sup>۳</sup>

و چه طور ممکن است کسانی که خدا عمل آنها را دوست ندارد نجات پیدا کنند.

در قرآن تصریح نموده که خداوند گروههایی را دوست نمی‌دارد:

متجاوزان: «لا يَحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ» (بقره/۱۹۰ - مائدہ/۸۷ - اعراف/۵۵)

ناسپاسِ گنهکار: «لا يَحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيْمٍ» (بقره/۲۷۶)

خیانتکار ناسپاس: «لا يَحِبُّ كُلَّ خَوَانِ كَفُورٍ» (حج/۳۸)

خیانتپیشه گنهکار: «لا يَحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَانًا أَثِيْمًا» (نساء/۱۰۷)

کافران: «لا يَحِبُّ الْكَافِرِيْنَ» (آل عمران/۳۲ - روم/۴۵)

ظالمان: «لا يَحِبُّ الظَّالِمِيْنَ» (آل عمران/۱۴۰ و ۵۷ - شوری/۴۰)

متکبران فخرفروش: «لا يَحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا - لا يَحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (نساء/۳۶ - لقمان/۱۸۸ - حديث/۲۳)

مفشدان: «لا يَحِبُّ الْمُفْسِدِيْنَ» (مائده/۶۴ - مائدہ/۷۷ - قصص/۷۷ - انعام/۱۴۱)

اسرافکاران: «لا يَحِبُّ الْمُسْرِفِيْنَ» (اعراف/۳۱)

خائنان: «لا يَحِبُّ الْخَائِيْنَ» (انفال/۵۸)

مستکبران: «لا يَحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِيْنَ» (نحل/۲۳)

شادی‌کنندگان مغرور: «لا يَحِبُّ الْمُرْحِيْنَ» (قصص/۷۶)

۱. مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱، ص: ۲۹۲

۲. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۴، ص ۷۴

۳. مخزن العرفان در تفسیر قرآن ج ۱۵ ص ۲۷۶

## مهربان و قهار

خداؤند در عین این که مهربان است، قهار هم هست.

وقتی می‌خواهد خود را معرفی کند می‌فرماید:

**غَافِرُ الدَّنَبِ وَ قَابِلُ التَّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذِي الطُّولِ** « خداوندی که آمرزنه گناه، پذیرنده توبه، دارای مجازات سخت، و صاحب نعمت فراوان است.» (غافر/۳)

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

**نَسِيٌّءَ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ \* وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ**

بندگانم را آگاه کن که من بخشنده مهربانم و (این‌که) عذاب و کیفر من، همان عذاب دردنای است! (حجر/۴۹ و ۵۰)

در ابتدای دعای افتتاح (دعای هر شب ماه مبارک رمضان) نیز می‌خوانیم:

أَيُّهُنْتُ أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاجِيْنِ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَشَدُ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَ النَّعِيْمَةِ  
« یقین دارم که تو مهربان‌ترین مهربانان عالمی در موضع عفو و بخشش و سخت‌ترین مجازات کننده‌ای در جای به زنجیر کشیدن و انتقام.»<sup>۱</sup>

در چند آیه دیگر هم به این صفات در کنار هم اشاره شده است:

**يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ** « خداوند شما را از (نافرمانی) خودش، بر حذر می‌دارد؛ و (در عین حال)، خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.» (آل عمران/۳۰)  
**يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ** « (خداؤند) هر کس را بخواهد، می‌بخشد؛ و هر کس را بخواهد، مجازات می‌کند.» (آل عمران/۱۲۹ - مائده/۱۸ و ۴۰ - فتح/۱۴)

**إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ**

« پروردگار تو نسبت به مردم - با اینکه ظلم می‌کنند - دارای مغفرت است؛ و (در عین حال)، پروردگارت دارای عذاب شدید است.» (رعد/۶)  
**إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ**

« پروردگار تو دارای مغفرت و (هم) دارای مجازات دردنای است. (فصلت/۴۳)

## ترس و امید

حال که خداوند متعال در عین مهربانی، منقم و در عین قهاریت، رئوف است، پس مؤمن نیز باید همیشه به خدا امیدوار بوده و در عین حال از عذاب خدا در بیم باشد. این همان چیزی است که در روایات ما از آن با نام خوف و رجا نام برده می‌شود. غلبه خوف بر امید، انسان را به یاس و سستی می‌کشاند. و غلبه رجاء و طمع انسان را به غرور و غفلت وا می‌دارد، و این هر دو دشمن حرکت تکاملی انسان در سیر او بهسوی خدا است.<sup>۱</sup>

قرآن کریم کسی را با ارزش می‌داند که در میان این دو باشد:

قَاتِنُّ آنَاءِ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ

«در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است.» (زمرا/۷)

همچنین می‌فرماید تنها کسانی ایمان دارند که دارای خوف و طمع توأم باشند:

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ \* تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمُضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ حَوْفًا وَ طَمَعًا

«تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که ... پهلوهای شان از بسترها در دل شب دور می‌شود (بپا می‌خیزند و رو به درگاه خدا می‌آورند) پروردگار خود را با بیم و امید می‌خوانند.» (سجده/۱۵ و ۱۶)

وَ اذْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا «او را با بیم و امید بخوانید.» (اعراف/۵۶)

بیم و امید نسبت به خداوند، دو عنصر ارزشمند، حتی برای پیامبران است.<sup>۲</sup>

إِنَّهُمْ ... يَدْعُونَا رَغْبًا وَ رَهْبًا

«آنان (زکریا و همسرش) در حال بیم و امید ما را می‌خوانند.» (انبیاء/۹۰)

۱. تفسیر نمونه؛ ج ۱۷ ص ۱۴۷

۲. تفسیر نور؛ ج ۵ ص ۴۹۰

امیرالمؤمنین علی علیه السلام این صفت را از اخلاق متقین بیان می فرماید:  
 وَ لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ [كُمْ] عَلَيْهِمْ مَمْ تَسْتَقِرُ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَحْسَادِهِمْ طَرْفَةً عَيْنٍ  
 شُوقًا إِلَى التَّوَابِ وَ حَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ

«اگر خداوند وقت مرگشان را معین نکرده بود، ارواحشان از شوق رسیدن به پاداش و از ترس عقوبت و عذاب، یک چشم به هم زدن در بدن هایشان قرار نمی گرفت.»<sup>۱</sup>  
 این خوف و رجا باید برابر باشد و هیچ کدام بر دیگری برتری نیابد.

«به امام صادق علیه السلام عرض شد: وصیت لقمان به پسرش چه بود؟ فرمود: در آن وصیت مطالب شگفتی بود و شگفتتر از همه این بود که به پسرش گفت: از خدای عز و جل چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را بیاوری ترا عذاب کند، و به خدا چنان امیدوار باش که اگر گناه جن و انس را بیاوری به تو ترحم نماید.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آن که در دلش دو نور است: نور خوف و نور رجاء که اگر این وزن شود از آن بیش نباشد و اگر آن وزن شود، از این بیش نباشد.»<sup>۲</sup>

همچنین آن حضرت فرموده اند:

يَبْغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَعْافَ اللَّهَ حَوْفًا كَانَهُ مُشْرِفٌ عَلَى النَّارِ - وَ يَرْجُوهُ رَحْمَاءً كَانَهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ  
 «انسان مؤمن سزاوار است از خداوند بترسد، گویی که اشراف بر جهنم دارد و به او امیدوار باشد، گویی از بهشتیان است.»<sup>۳</sup>

امام سجاد علیه السلام هم در دعا می فرماید:

وَاقِفًا بَيْنَ الرَّعْبِ إِلَيْكَ وَ الرَّجْبِ مِنْكَ وَ أَنْتَ أَوْلَى مِنْ رَجَاهُ، وَ أَحَقُّ مِنْ حَشِيهِ وَ اتَّقَاهُ  
 «این جایگاه کسی است که در میان بیم و امید به تو ایستاده و تو شایسته ترین کسی هستی که به او امید ورزد و سزاوارترین کسی که از او بترسد و پروا کند.»<sup>۴</sup>

۱. نهج البلاغة (اللصبوح صالح) ص ۳۰۳ - و من خطبة له يصف فيها المتقين

۲. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۶۷

۳. وسائل الشيعة؛ ج ۱۵ ص ۲۳۰

۴. الصحيفة السجادية ص ۱۵۰ - دعائی ۳۲ - بعد الفراغ من صلاة الليل لنفسه في الاعتراف بالذنب

## بشارت و انذار

چون خوف و رجا باید با هم باشد، خداوند قرآن را هم بشارت دهنده و بیم دهنده

معرفی می‌فرماید:

كِتَابٌ ... \* بَشِيرًا وَ نَذِيرًا

«(قرآن) کتابی است...\* بشارت دهنده و بیم دهنده. (فصلت/۳ و ۴)

به همین دلیل مبلغ و مفسر قرآن نیز بشارت دهنده و بیم دهنده است:

أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ

« من فقط بیمدهنده و بشارتدهندها.» (اعراف/۱۸۸)

إِنَّمِي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ

« من از سوی او برای شما بیم دهنده و بشارت دهندها.» (هود/۲)

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا

« ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن فرستادیم.» (بقره/۱۱۹ - فاطر/۲۴)

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا

« و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا بشارت دهی و بترسانی.» (سبأ/۲۸)

اگر چه مؤمن باید بین بیم و امید باشد، اما برای تبلیغ دین و هدایت مردم، انذار و

بیم سازنده‌تر است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در فرمایشی کسی را عالم می‌شمارد که در تبلیغ دین، هر دوی این موارد را رعایت کند.

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يُعَنِّطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنُهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

آیا از آنکه بحقیقت فقیه است بشما خبر ندهم؟ او کسی است که مردم را از

رحمت خدا نامید نکند و از عذاب خدا ایمن نسازد.»<sup>۱</sup>

## بیم سازنده‌تر است

به همین دلیل در قرآن بشیر بودن پیامبران، هیچ‌گاه به تنها‌ی ذکر نشده، اما نذیر بودن آن‌ها به تنها‌ی به‌طور مکرر بیان شده و بر آن تأکید گردیده است. (ان و انما)

إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ (اعراف/۱۸۴ - سباء/۴۶)      إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ (هود/۱۲)

إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (هود/۲۵ - نوح/۲)      إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (حج/۴۹)

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (شعراء/۱۱۵)      إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ (فاطر/۲۳)

وَ مَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ (احقاف/۹)      إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ (ذاريات/۵۰ و ۵۱)

إِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (عنکبوت/۵۰ - ص/۷۰ - ملک/۲۶)

همچنین دلیل نزول قرآن انذار (بیم دادن) است.

فُلْ ... أُوحِيَ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنُ لِأَنِّي رَّبُّكُمْ يٰه

«بگو... قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آن‌ها می‌رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم).» (انعام/۱۹)

**علامه طباطبایی رحمت‌الله علیه درباره‌ی این آیه می‌نویسد:**

در این آیه مساله انذار و هشدار غایت و نتیجه نزول قرآن کریم قرار گرفته، دعوت نبوت از طریق تخویف آغاز گشته، و این خود در فهم عامه مردم مؤثرتر از تطمیع است. برای این‌که گرچه تطمیع و امیدوار ساختن مردم نیز راهی است برای دعوت انبیا و قرآن عزیز هم تا اندازه‌ای این طریقه را به کار برد، لیکن اصولاً امیدواری آدمی را به طور الزام وادرار به طلب نمی‌کند، و بیش از ایجاد شوق و رغبت در آدمی، اثر ندارد، به خلاف تخویف و تهدید که به حکم عقلی وجوب دفع ضرر احتمالی، احتراز از آن‌چه تهدید به آن شده واجب و آدمی به دفع آن ملزم می‌شود.

علاوه بر این، اگر مردم در گمراهی خود هیچ‌گونه تقصیری نمی‌داشتند، مناسب بود که دعوت الهی از راه تطمیع آغاز گردد، لیکن مردم در گمراهی خود مقصراً هستند، برای این‌که دعوت اسلام، دعوت به دین فطرت، یعنی به دینی است که سرچشمهاش در نهاد خود بشر است، و این خود او است که با دست خویش و با ارتکاب شرک و گناه، فطرت خود را پشت سر افکنده و شقاوت را بر دل خود چیره نموده و در نتیجه دچار سخط الهی شده است، و چون چنین است حزم و حکمت

اقتضای می‌کند که دعوت آنان از راه انذار و هشدار آغاز گردد، و برای همین جهت بوده

که در آیات بسیاری وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله منحصر در انذار شده است.<sup>۱</sup>

اگر علم انسان به حد کافی باشد و از جهل خارج شود از عذاب خدا خواهد ترسید.

*إِنَّمَا يَحْشُى اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ*

«(آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند.»(فاطر/۲۸)

و اگر چنین شد پاداشی مضاعف خواهد داشت.

*وَ لِمَنْ حَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ*

« و برای آن که از مقام پروردگارش ترسد دو باغ بهشتی است.»(الرحمن/۴۶)  
و حتی این ترس باید شدید باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: *إِنَّ مِنْ الْعِبَادَةِ شِدَّةَ الْحُوْفِ*

« همانا قسمتی از عبادت ترس شدید از خدای عز و جل است.»<sup>۲</sup>

### بیم و امید خواص

البته این مطلب، که گفته شد، درباره‌ی مردم عامی است، و اما خواص از مردم، یعنی آنان که خدای را از روی محبتی که به او دارند عبادت می‌کنند، نه از جهت ترس از آتش و یا طمع در بهشت، البته از خوف و رجا و تهدید و تطمیعی که در دعوت دینی هست چیز دیگری تلقی می‌کنند، وقتی به تهدید از آتش برمی‌خورند از آن آتش، آتش فراق و دوری از پروردگار و سخط وی را می‌فهمند، و همچنین از شنیدن وصف بهشت به نعمت وصل و قرب ساحت او و خشنودی او منتقل شده و مشتاق آن می‌گردند.<sup>۳</sup>

۱. ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۷ ص ۵۲

۲. مرآۃ العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۸ ص ۲۶

۳. ترجمه تفسیر المیزان؛ ج ۷ ص ۵۲